

نقش اسلام در دهمین دهه پیشبرد نهضت اسلام

در نیمه دوم دهه چهارم *

تظاهرات در روزهای تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۴۲ در تهران و سراسر کشور که مردم عزادار در دسته‌های عزاداری به آن اقدام کردند، نمود عینی نقش و جایگاه مساجد در این حرکت تاریخی بود. شعاری که به شکل نوحه در این روز خوانده شد همه لحن حماسی و مبارزه‌جویانه داشتند.

دوران پس از واقعه‌ی ۱۵ خرداد و تبعید امام خمینی از ایران در ۱۳ آبان سال ۱۳۴۳ را بایستی دوران رکود مبارزات اسلامی دانست. از این پس تا ایجاد فضای سیاسی در سال ۱۳۵۶ مساجد را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: مساجدی که برگزاری نماز و اقامه‌ی عزاداری حداکثر فعالیت آن‌ها بود. مساجدی که گردانندگان آن‌ها اکثراً از شاگردان امام خمینی بودند و فعالیت این مساجد به جنبه‌ی صرف مذهبی ختم نمی‌شد و جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با شدت و ضعف به نسبت در این مساجد دیده می‌شد.

آگاهی‌بخشی به مردم در مورد مسایل سیاسی روز، پاسخ به سؤالاتی که نیاز روز جامعه بودند، گرایش به جوانان و تلاش در جهت جلب آن‌ها به اسلام از دغدغه‌های شخصیت‌های فعال در این مراکز و مساجد به شمار می‌رفت. این افراد برای آن که فعالیت‌های آن‌ها توسط ساواک متوقف نشود با برنامه‌ریزی‌های فرهنگی کار خود را پوشش می‌دادند. از طرف دیگر، جدی تلقی شدن خطر جریان کمونیستی و چپ توسط حکومت و مخالفت اساسی نیروهای مذهبی با آن، در مقاطعی فرصت مناسبی برای فعالیت‌های روشنفکر مذهبی

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک جنبش اجتماعی، با استفاده از مساجد فراگیر شد. شبکه‌ی مساجد و جلسات مذهبی همانند حلقه‌ی واسط میان رهبران انقلاب و مردم انقلابی بودند که وظیفه‌ی بسیج مردم را در جهت مخالف با سیاست‌های حاکم بر عهده داشتند. بر همین اساس بحث از مساجد و جلسات مذهبی در پیروزی انقلاب اسلامی همانا بحث و تحقیق درباره‌ی یکی از عوامل پیروزی انقلاب اسلامی است.

مسجد اولین کانون سیاسی اسلامی بود که توسط پیامبر اکرم(ص) به وجود آمد. در طول تاریخ ایران بعد از اسلام، مساجد علاوه بر نقش و جایگاه مذهبی خمینی و سایر مراجع در جریان تصویب لایحه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی، مساجد به ویژه در قم و تهران اولین فعالیت‌های گسترده‌ی سیاسی خود را آغاز کردند؛ مساجدی چون مسجد حاج ابوالفتح تهران، مسجد ارک، مسجد شاه تهران، مسجد آذربایجانی‌ها در تهران و مسجد اعظم قم و مدرسه‌ی فیضیه، از جمله کانون‌های مخالف حکومت در مقطع نیمه‌ی دوم دهه‌ی چهل به حساب می‌آمدند.

واقعه‌ی دوم فروردین سال ۱۳۴۲ مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم و مدرسه‌ی طالبیه‌ی تبریز، رویارویی علماء و مراجع را با حکومت وارد مرحله‌ی جدیدی ساخت، با تحریم تقیه از سوی امام خمینی در آستانه‌ی ماه محرم سال ۱۳۴۲، وعاظ و گویندگان مذهبی و مرثیه‌سرایان مکلف شدند تا در ایام محرم، مردم را از مسایل سیاسی روز آگاه نمایند.



آن که خطمشی مبارزه‌ی سیاسی را ترویج نمی‌کردند، مورد حمایت هم بودند. فعالیت انجمن حجتیه را در همین راستا می‌توان تلقی کرد. گسترش فعالیت‌های فکری و زیرساختی بین سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۱ ساواک را بر آن داشت تا تعدادی از مراکز مهم فعالیت نیروهای مذهبی را تعطیل نماید. حسینیه‌ی ارشاد، مسجد الجواد، مسجد هدایت از آن جمله بودند. فعالیت‌های فرهنگی شخصیت‌های علمی و مذهبی چون دکتر شریعتی، آیت‌الله منصور، دکتر باهنر، فخرالدین حجازی، علامه محمدتقی جعفری، دکتر مفتاح، هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، مصطفی ملکی، فضل‌الله محلاتی و غیره محصول خود را در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ ارائه داد. تغییر الگوهای فرهنگی در آستانه فضای باز سیاسی از مواردی است که نیابستی مورد غفلت قرار گیرد.

«یکی از پدیده‌های نو که از سال ۵۵ به بعد در تهران و شهرستان‌ها مطرح شد برگزاری نمایشنامه‌های مذهبی و حتی برگزاری برخی از مجالس عمومی غیر عبادی در مساجد بود. گزارش ویژه‌ی ساواک مؤید این تغییر الگوی فرهنگی جامعه است که با سخنرانی‌ها و فعالیت‌های پر زحمت و مشقت روحانیون و روشنفکران اسلامی به وجود آمده است:

«در سنوات اخیر موج جدیدی برای الگو قرار دادن تعالیم اسلام، در بین تعدادی از خانواده‌ها به وجود آمد و مشاهده می‌گردد؛ گروهی از خانواده‌ها که پای‌بند به معتقدات مذهبی می‌باشند، سعی می‌کنند

تلقی می‌شد. حجت‌الاسلام جعفریان عقیده دارد: «پس از کودتای ۲۸ مرداد، زمانی که احزاب سیاسی که می‌توانستند کبابه مبارزه را به دوش بکشند و حس مبارزه را در خود نگاه داشته و آن را هضم کنند، از میان رفتند، مساجد و حسینیه‌ها زمینه‌ی جدیدی برای مبارزه‌ی سیاسی با سلطنت و دولت شدند. این بار مذهبی‌های مبارز بودند که به راحتی می‌توانستند از مساجد استفاده کنند. طبعاً در تشیع عناصر کافی برای مبارزه وجود داشت که مهم‌ترین وجه آن عاشورا بود. به هر روی بسیاری از مساجد، در شهرهای بزرگ و کوچک از این زوایه تشخیص یافت و محل مبارزه با شاه شد. ساواک که به این جنبه‌ی قضیه توجه داشت به طور مرتب گزارش جلسات تشکیل شده در مساجد سیاسی را ثبت می‌کرد. این مساجد به طور طبیعی با حوزه پیوند داشت زیرا در ایام تبلیغ، لازم بود تا کسانی از روحانیون از حوزه‌های علمیه قم و مشهد برای سخنرانی دعوت شوند. همین امر به طور طبیعی سیستمی را برای ارتباط میان مبارزان مسلمان و روحانیت فراهم می‌کرد.»

مساجد و اماکن مذهبی در جریان انقلاب اسلامی دو کارکرد اساسی داشتند: نخست آموزش و تربیت نیروهای انقلابی؛ دوم، بسیج امکانات و سازماندهی نیروها.

ضمن آن‌که کانون‌های فکری و فرهنگی مخالف حکومت تحت مراقبت شدید قرار داشت و با مشاهده‌ی فعالیت‌های مضر، اختطاب، تذکر، بازداشت در انتظار فعالین مذهبی بود. کانون‌هایی هم به جهت

فرزندان خود را از ابتدا با روحیه و خصوصیات مذهبی پرورش دهند. به موازات این تغییرات، تشکیل جلسات و ترتیب دادن برنامه‌ها و نمایشنامه‌های مذهبی عرصه‌ی وسیعی پیدا کرده و مراکزی نیز برای کمک و مساعدت برای انجام دادن این قبیل برنامه‌ها تشکیل گردیده است...»

با حوادث سال ۱۳۵۶ (به ویژه در زمستان آن) علاوه بر مساجد سیاسی فعال از سال‌های قبل، اغلب مساجد در تهران و شهرستان‌ها به کانون‌های مبارزات سیاسی علیه حکومت پهلوی تبدیل شدند. در این بحث به طور مختصر به تأثیرگذاری تعدادی از مساجد مهم و مراکز فعال فرهنگی در جریان نهضت اسلامی پرداخته می‌شود. پر واضح است که پرداختن به نقش سایر مراکز و مساجد در تهران و شهرستان‌ها فرصت و مجال بیشتری می‌خواهد.

مسجد هدایت

آیت‌الله طالقانی در سال‌های ۱۳۱۸-۱۳۱۷ جلسات سخنرانی و تفسیر قرآن و غیره را به صورت سیار در محلات تهران به راه انداخته بود. در این مقطع مسجد هدایت یکی از مساجد کوچک تهران بود که به وسیله سناتور هدایت از بازماندگان مخبرالسلطنه هدایت اداره می‌شد. آیت‌الله طالقانی در سال ۱۳۲۷ بنا به دعوت عده‌ای از متدینان آن مسجد، فعالیت تبلیغی و مذهبی خود را در آن جا متمرکز نمود و جلسات سیار خود را به این مسجد منتقل کرد. از آنجا که آیت‌الله طالقانی در جلسات سیار، عده‌ای از دانشجویان و استادان را جذب خود کرده بود و آنها در جلسات ایشان در محل‌های گوناگون شرکت کردند؛ مسجد هدایت از نظر امکانات و گنجایش محل مناسبی برای ادامه فعالیت نبود. لذا به پیشنهاد ایشان و گردانندگان مسجد تقاضای تجدید بنا و وسعت بخشیدن به آن را مطرح کردند که با مخالفت متولی مسجد مواجه شد. سرانجام با کمک مردم متدین و حمایت آیت‌الله طالقانی این مسجد ضمن تجدید بنا، وسعت یافت. مسجد هدایت در جریان آغاز نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) به پایگاه مبارزان مسلمان تبدیل شد و در سال‌های ۱۳۳۹ الی ۱۳۴۲ عملاً پاتوق جریان ملی مذهبی مخالف حکومت بود.

بسیاری از اعلامیه‌های مخالفین در آنجا پخش می‌شد و آخرین اخبار نهضت و مبارزات نیز معمولاً از طریق مسجد هدایت پخش می‌گردید. بیشتر مراجعه کنندگان آن را دانشجویان و بازاریان مخالف حکومت پهلوی تشکیل می‌دادند. آیت‌الله طالقانی در سال ۱۳۴۱ به زندان افتاد و پس از آزادی بار دیگر در سال ۱۳۴۲ پس از قیام ۱۵ خرداد دستگیر شد و به ۱۰ سال زندان محکوم شد. محکومیت او به زندان طویل‌المدت اعتراضات گسترده را در پی داشت. مراجع تقلید، علما و روحانیون بزرگ و نهضت آزادی ایران با صدور اعلامیه‌های متعدد؛ این اقدام رژیم را در قبال او آقای مهندس مهدی بازرگان

محکوم کردند.

آیت‌الله طالقانی در سال ۱۳۴۶ از زندان آزاد شد. پس از آزادی وی فعالیت مسجد هدایت که مدتی با وقفه مواجه شده بود، آغاز شد. وی شروع برنامه‌های مسجد را با ایراد سخنرانی‌های خود اعلام کرد. البته پس از مدتی ممنوع‌المنبر گردید. پس از این، افراد دیگر به دعوت او در این مسجد به ایراد سخنرانی پرداختند. این اشخاص هر یک از وعظ انقلابی پیشرو و فعال بودند. همانند هاشمی رفسنجانی، دکتر باهنر، شهید سعید، امامی کاشانی، شهید مطهری، دکتر شریعتی، مهندس بازرگان و سیدابوالفضل زنجانی و... در یک سند از پرونده‌ی دکتر باهنر گزارشی از یک جلسه در مسجد هدایت به شرح زیر درج شده است:

« روز ۴۶/۳/۱۲ جلسه‌ی بحث و تفسیر هفتگی در مسجد هدایت واقع در خیابان اسلامبول تشکیل شد. تعداد افراد شرکت کننده قابل توجه بود و افراد شناخته شده عبارت بودند از حاج احمد صادق، جهانگیر و پرویز و حسین و علی اکبر عدالت‌منش، رضا خانی، مصطفی صادقی، دکتر جواد باهنر، حسام‌الدین انتظاری، مقیمی و پس از پایان نماز جماعت سید محمود طالقانی مدت یک ساعت پیرامون تفسیر سوره‌ی نساء صحبت نمود و ضمن آن به مالکیت اشاره گفت در کتاب «اسلام و مالکیت» تقریباً موضوع مالکیت از نظر اسلام و قرآن مطرح گردیده است.»

گزارش‌های متعددی از فعالیت‌های صورت گرفته در مسجد هدایت در پرونده‌ی آیت‌الله طالقانی و شخصیت‌هایی که در ساواک دارای پرونده بودند وجود دارد. به یک گزارش هم از پرونده‌ی شهید آیت‌الله مطهری توجه کنیم.

موضوع: مطهری واعظ

ساعت ۱۳ روز ۴۸/۹/۱۱ در مسجد هدایت واقع در لاله‌زار، مطهری واعظ پس از ادای نماز ظهر روز مزبور، مشغول وعظ گردید و ضمن گفتن یک مسئله‌ی شرعی، یکی از مستمعین سؤال می‌کند این مسئله، فتوای کیست؟ مطهری اظهار داشت فتوای حضرت آیت‌الله خمینی است که ناگهان حضار با صدای بلند سه مرتبه صلوات فرستادند. نظریه منبع: به نظر می‌رسد مطهری با تبانی قبلی با (سؤال کننده) عملاً مبادرت به گفتن کلمه‌ی خمینی با نهایت احترام و القاب نموده است...»

آیت‌الله طالقانی به عنوان یک چهره‌ی مبارز، در مسجدی هم که او اقامه‌ی نماز می‌کرد مورد توجه مبارزان و ساواک بود. طی سال‌های قبل از انقلاب، فردی مورد اعتماد مبارزان بوده و آنان از محفل تفسیری وی بهره می‌بردند، در جلسات پرسش و پاسخ که به مدت سی‌ماه، به صورت ماهیانه در مسجد هدایت تشکیل می‌شد تعداد فراوانی جوان تحصیل کرده حضور می‌یافتند. به نظر آقای رسول



مراحل موافقت با آن و اولین سخنرانی رسمی در حسینیه‌ی ارشاد در ابتدای سال ۱۳۴۶ انجام شد در پرونده‌ی آیت‌الله مطهری اولین گزارش پیرامون حسینیه‌ی ارشاد به شرح زیر است:
«تاریخ ۴۶/۱/۲۸ به ریاست بخش ۳۱۶

درباره‌ی شیخ مرتضی مطهری

نامبرده‌ی بالا به اتفاق آقایان ناصر میناچی مقدم و محمد همایون از طریق شهربانی تقاضای تأسیس مؤسسه خیریه تعلیماتی و تحقیقات علمی و دینی حسینیه‌ی ارشاد نموده است. لذا خواهشمند است دستور فرمائید با توجه به پرونده‌ی م ط / ۱۲ که مربوط به مشارالیه می‌باشد در این مورد نظریه اعلام فرمایند.»

رئیس بخش ۳۱۶ ساواک در جواب نامه‌ی فوق پس از بررسی پرونده‌ی وی اعلام می‌کند تأسیس مؤسسه‌ی فوق توسط نامبرده‌ی بالا بلامانع است: «خواهشمند است دستور فرمایند یک نسخه رونوشت اساسنامه‌ی مؤسسه‌ی مورد بحث را جهت انعکاس در پرونده‌ی وی به این بخش ارسال نمایند» پس از اعلام موافقت با تأسیس حسینیه‌ی ارشاد اولین سخنرانی ایراد شده در تاریخ ۱۳۴۶/۲/۱۶ توسط مرتضی مطهری و محمدتقی شریعتی است.

از موضوعات مهم در تاریخ حسینیه‌ی ارشاد، ورود دکتر شریعتی به آن است. آیت‌الله مطهری با استاد محمدتقی شریعتی و دکتر شریعتی آشنایی داشت و براساس همین آشنایی از وی دعوت کردند تا در حسینیه‌ی ارشاد سخنرانی کند. با ورود دکتر علی شریعتی به جمع اندیشمندان حسینیه‌ی ارشاد، روند روشنگری، شکل فعال‌تری به خود گرفت. دکتر شریعتی که از بیان و قلمی شیوا و به طور کلی یک ادبیات مورد پسند نسل جوان بهره‌مند بود، نقش عمده‌ای در سوق دادن نسل جوان و دانشجو به حسینیه‌ی ارشاد ایفا کرد. اولین سخنرانی دکتر شریعتی در حسینیه‌ی ارشاد به دعوت آیت‌الله مطهری

جعفریان، ایجاد حسینیه‌ی ارشاد به نوعی امتداد جلسات فوق‌الذکر بوده است.

با گسترش فعالیت‌های مسجد هدایت و سخنرانی‌های آیت‌الله طالقانی، وی بعد از ماه رمضان دستگیر و به زابل تبعید گردید و بعد از مدتی محل تبعید او به بافت کرمان تغییر کرد پس از درگیری و تعطیلی فعالیت‌های مبارزاتی مسجد هدایت، ساواک برای مهار فعالیت‌های مخالف حکومت در مساجد و مراکز، طرحی را تهیه کرد تا از طریق اداره‌ی اوقاف بتواند موفق به انجام این امر شود. شهربانی کل کشور مأمور اجرای این طرح می‌شود:

«در مورد مسجد هدایت نیز طرحی که به وسیله‌ی مشاورین قضایی سازمان اوقاف تهیه شده بود به امضای آقای سناتور علیقلی هدایت و مسعود هدایت (متولیان موقوفات حاج مخبرالسلطنه هدایت که مسجد هدایت نیز جزء موقوفات آن مرحوم می‌باشد) رسید و به موجب آن اداره‌ی امور مسجد هدایت به سازمان اوقاف واگذار گردید تا هر طور که مصلحت باند در اداره مسجد قیام و اقدام نماید.»

طرح فوق برای اطلاع محمدرضا پهلوی ارسال می‌شود:

«از شهربانی کل

به ریاست سازمان اوقاف

موضوع: مساجد الجواد و هدایت و حسینیه‌ی ارشاد

نتیجه‌ی اقدامات آن سازمان در زمینه‌ی مساجد الجواد و هدایت و حسینیه‌ی ارشاد از شرف عرض پیشگاه مبارک اعلی حضرت همایون شاهنشاه آریامهر گذشت. اوامر همایونی چنین شرف صدور یافت: «از نظر وضع فعلی اگر دقیقاً اجرا شود کافی است ولی سازمان‌ها باید دنبال کنند ریشه‌ی این اقدامات را پیدا کنند.»

پس از این اقدام، سازمان اوقاف یک روحانی را برای اقامه نماز در این مسجد تعیین کرد که با مخالفت‌های مردمی صورت گرفته بود. وی پس از چند روز از اقامه‌ی نماز خودداری کرد و مراتب را به کلاترئی محل اطلاع داد! آیت‌الله طالقانی پس از یکسال و نیم آزاد شد و در سال ۱۳۵۴ مجدداً دستگیر شد که تا آبان سال ۱۳۵۷ در زندان به سر بردند.

حسینیه ارشاد

پس از مسجد هدایت که جایگاه خاصی در جریان فکری انقلاب اسلامی دارد، حسینیه‌ی ارشاد یکی از کانون‌های مهم تأثیرگذار فرهنگی و فکری به شمار می‌رفت. حسینیه‌ی ارشاد با نام آیت‌الله مرتضی مطهری پیوند خورده است او که هدفی جز روشنگری نسل جوان نداشت به دنبال آن بود که مؤسسه‌ای دینی ایجاد کند. به همین جهت بحث مؤسسه‌ی تبلیغاتی و فرهنگی حسینیه‌ی ارشاد برای پاسخ‌گویی به نیازهای روز از سال ۱۳۴۴ شروع شد، اما آخرین

در برنامه‌های جشن چهاردهمین قرن بعثت پیامبر اکرم(ص) در تاریخ ۱۳۴۷/۷/۲۹ صورت پذیرفت.

پس از این دکتر شریعتی در کنار مطهری یکی از سخنرانان این کانون شد که بیش‌ترین جاذبه را در بین جوانان و دانشجویان داشت.

«در موضوع دعوت از دانشجویان در حسینیه ارشاد

در تاریخ ۴۷/۹/۱۷ در مسجد دانشگاه تهران آگهی نصب شد، که طی آن از دانشجویان دعوت به عمل آمده که ظهرها بعد از نماز و شب‌ها بعد از ساعت ۱۹/۳۰ در حسینیه‌ی ارشاد واقع در جاده‌ی قدیم شمیران ایستگاه چاله هرز که آقایان مرتضی مطهری و دکتر علی شریعتی و مهندس کتیرایی سخنرانی خواهند کرد حضور بهم رسانند.»

به دنبال شروع برنامه‌های حسینیه، عده زیادی از روحانیان و روشنفکران مذهبی به دعوت استاد مطهری و پس از کناره‌گیری وی در اواخر سال ۱۳۴۹ به دعوت آقای میناچی در آنجا سخنرانی می‌کردند. علاوه بر استاد مطهری دکتر شریعتی، محمدتقی شریعتی، مهندس بازرگان، دکتر باهنر، حجت‌الاسلام صدرالدین بلاغی، علامه محمدتقی جعفری، فخرالدین حجازی از دیگر سخنرانان بودند. دکتر شریعتی پس از ورود به تدریس جامعه‌شناسی مذهبی و تاریخ تحلیلی تشیع پرداخت. در ابتدا کلاس‌ها ماهی یک بار تشکیل می‌شد و به زودی به یک هفته در میان و سپس در هر هفته تشکیل شد. پس از حدود سه سال از شروع فعالیت حسینیه ارشاد آیت‌الله مرتضی مطهری به دلیل مسایل مدیریتی حاکم بر حسینیه به ویژه آقای میناچی از فعالیت در آنجا خودداری کرد. با رفتن استاد مطهری در پایان سال ۱۳۴۹ حسینیه‌ی ارشاد در انحصار دکتر شریعتی قرار گرفت؛ گر چه آقای صدر بلاغی، محمدتقی شریعتی و مرتضی شبستری با داشتن ۵۰ و ۳۴ و ۴۰ برنامه (به ترتیب) پس از دکتر قرار داشتند. از اوایل سال ۱۳۵۰ تا آبان سال ۱۳۵۱ که حسینیه‌ی ارشاد تعطیل شد، دکتر شریعتی بالغ بر هفتاد سخنرانی ایراد کرد. سخنرانان دوره‌ی بعد از آیت‌الله مطهری به جز موارد انگشت شمار (شامل ۲ جلسه‌های علمی) رفسنجانی، ۲ جلسه آیت‌الله خامنه‌ای و ۲ جلسه آیت‌الله خزعلی) بیش‌تر افراد غیر روحانی بودند که از آن جمله می‌توان به زریاب خوبی با ۱۱ جلسه، کاظم سامی با ۱۲ جلسه و عده‌ای دیگر مانند محمداسماعیل رضوانی اشاره کرد.

بر مسایل مطرح شده توسط دکتر شریعتی نقدهایی وارد بود، هم‌چنان که به تدریس بحث‌های جدید مطرح شده در حسینیه ارشاد، مشکلاتی را در جامعه مذهبی ایجاد می‌کرد.

افزون بر این: ساواک در تحریک افکار عمومی جامعه علیه حسینیه، آن‌چنان نقش ایفا می‌کرد که از دانشمندان این مؤسسه علمی با عناوین و القاب نامناسب و دور از واقعیت یاد می‌شد. در چنین شرایطی که استاد مطهری بیش از دیگران احساس مسئولیت

می‌کرد و نمی‌توانست این همه تبلیغ و سر و صدا را علیه حسینیه‌ی ارشاد تحمل کند، دست به تلاشی همه جانبه زد تا حیثیت حسینیه را حفظ کند. از دکتر شریعتی که بی‌محابا به برخی از ارزش‌ها و سنت‌های جامعه حمله می‌کرد و او با همه‌ی آن موافق نبود و برخی را به مصلحت روحانیون نمی‌دید خواست تا به تعدیل صحبت‌ها، به مخالفین دستاویز و بهانه ندهد. با وجود احترام و علاقه‌ی دو جانبه‌ی که بین مطهری و شریعتی وجود داشت، تحریک برخی عناصر داخلی در سطح مدیریت حسینیه، به دکتر شریعتی اجازه نداد تا به نصایح استاد مطهری توجه کند.»

ساواک برای رو در رو قرار دادن روحانیت و روشنفکران، از مسئله‌ی پیش آمده در جریان حسینیه‌ی ارشاد نهایت استفاده را می‌برد تا بین این نیروها جدایی و اختلاف، هر چه بیش‌تر تشدید شود. این فرصت مناسبی بود تا ساواک با مشغول کردن نیروهای انقلابی به هم. مبارزه با حکومت را در اذهان آنها به فراموشی بسپارد.

فعالیت‌هایی که توسط نیروهای مخالف حکومت در حسینیه‌ی ارشاد صورت می‌گرفت، به شدت تحت مراقبت مأموران قرار داشت. به عنوان مثال، دکتر محمدجواد باهنر پس از درگذشت آیت‌الله العظمی حکیم در تاریخ ۱۳۴۹/۳/۱۲ در مراسم ختم وی در حسینیه‌ی ارشاد از فتوای وی علیه اسرائیل سخن گفته بود بلافاصله اداره کل سوم ساواک از ساواک تهران می‌خواهد: «سریعاً نامبرده‌ی بالا (باهنر) را احضار و در مورد اظهارات وی در حسینیه‌ی ارشاد... تذکرات لازم و شدیدی به وی داده و نتیجه را نیز ضمن تعیین و سقم موضوع به این اداره اعلام دارند.»

علاوه بر احضار و تذکر به دکتر باهنر، اداره کل سوم دستور پیگیری به شرح زیر به ساواک تهران صادر می‌کند:

«خواهشمند است دستور فرمایید ضمن مراقبت از جلسات متشکله در حسینیه‌ی ارشاد و واعظ مورد نظر، ترتیبی اتخاذ گردد که به نحو مقتضی اظهارات مشارالیه روی نوار ضبط و نتیجه را به این اداره کل اعلام دارند.»

حجت‌الاسلام‌هاشمی رفسنجانی از دیگر روحانیونی بود که با حسینیه‌ی ارشاد ارتباط داشت. وی در این مورد می‌نویسد:

«در حسینیه‌ی ارشاد کسانی دست‌اندرکار بودند که دستگاه خیلی به آن‌ها بدبین نبود. ما هم از این فرصت استفاده می‌کردیم و در سخنرانی‌ها مطالبی را که باید گفته می‌شد، می‌گفتم. دکتر شریعتی هم همین‌جا و در همین رابطه اوج گرفت.»

به دنبال حوادثی که در سال ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ در کشور اتفاق افتاد (چون دستگیری سران اولیه‌ی مجاهدین خلق) حکومت مصمم شد مراکز مخالفان را تعطیل نماید. از این رو، با دستور ساواک حسینیه‌ی ارشاد، مسجد الجواد و هدایت در آبان سال ۱۳۵۱ تعطیل می‌شود. آخرین جلسه سخنرانی دکتر شریعتی قرار بود روز ۱۳۵۱/۸/۲۶ در



داد و در آن‌جا به سخنرانی‌های خود در دایره‌ای نسبتاً محدودتر از حسینیه‌ی ارشاد ادامه داد. آیت‌الله مطهری در این دوره‌ی کوتاه با دعوت از وعاظ و گویندگان انقلابی چون ابوالقاسم خزعلی، علی دوانی، امامی کاشانی، محمد مفتاح، محمدتقی فلسفی، حسین نوری و محمدجواد باهنر و... برنامه‌های این مسجد را رونق داد. جلسه‌ی سیار هفتگی اعضای هیئت مدیره مسجد به طور مرتب تشکیل می‌شد که البته از دید مأموران ساواک مخفی نبود. در یک گزارش از پرونده آیت‌الله مطهری آمده است:

«ساعت ۱۵ روزهای جمعه، هر هفته جلساتی به طور سیار در منازل اعضای هیئت مدیره مسجد الجواد و شیخ مطهری، تهرانی پیش‌نماز مسجد خیابان جهان‌پناه، شیخ موسوی، شیخ مهدوی پیش‌نماز مسجد جلیلی، خیابان ایرانشهر تشکیل و سیدمحمد طالقانی در این جلسات شرکت می‌نماید.

نظریه‌ی منبع: این جلسات ایام ماه مبارک رمضان در سه مرتبه، در مسجد الجواد تشکیل ولی فعلاً، در منازل آنها برگزار می‌گردد.»
در فعالیت‌های مسجد الجواد، دانشگاهیان و دانشجویان جایگاه قابل توجهی داشتند. در یک گزارش می‌خوانیم: چون ساعت ۱۵ روز ۴۸/۱۱/۲۴ دعوت انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده‌ی پلی‌تکنیک در مسجد الجواد واقع در خیابان روزولت میدان ۲۵ شهریور (میدان هفت‌تیر فعلی) دکتر جواد باهنر سخنرانی دارد، لذا انجمن مزبور تعداد زیادی از دعوت‌نامه پیوست را بین دانشجویان دانشکده پلی‌تکنیک توزیع نموده است.

بیشترین تعداد سخنرانی‌های انجام گرفته در مسجد الجواد به دکتر محمدجواد باهنر تعلق دارد. در پرونده دکتر باهنر در اداره کل سوم ساواک اسناد متعددی از گزارش این سخنرانی‌ها وجود دارد، از جمله «۱۳۴۹/۱/۱۴» ساعت ۱۹/۳۰ جلسه‌ی مذهبی در مسجد الجواد با حضور شصت نفر تشکیل شد؛ پس از قرائت قرآن توسط محمود

حسینیه برگزار شود، اما بسته شدن آن توسط مأموران، منجر به تظاهرات گردید، که استاد مطهری نیز در آن حاضر بود، و به همراه محمد همایون دستگیر و دو روز بعد آزاد می‌شود.

در مورد حسینیه‌ی ارشاد، منوچهر آزمون معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان اوقاف به ریاست شهربانی کل کشور اعلام می‌کند:

«در مورد حسینیه‌ی ارشاد طرح لازم به وسیله‌ی مشاورین قضایی سازمان اوقاف تهیه گردید که پس از بحث و تبادل نظر به مورد اجرا گذارده شد به موجب این طرح هیئت مؤسس و هیئت مدیره‌ی حسینیه‌ی ارشاد آقایان ناصر میناچی و محمد همایون کتباً متعهد شدند ترتیبی فراهم سازند که امر نظارت سازمان اوقاف بر مسائل تبلیغات مذهبی و آموزش دینی و امور مالی مربوط به آن‌ها به نحو مطلوب تحقق پذیرد و همچنین در اجرای این منظور متعهد شدند قبل از اقدام به هر فعالیتی که در زمینه‌های فوق انجام پذیرد با سازمان اوقاف تبادل نظر و مشورت کنند و بدون اجازه کتبی سازمان اوقاف هیچ‌گونه تصمیم و برنامه‌ای را در زمینه مسایل فوق به مورد اجرا نگذارند.»

البته برای کنترل بیشتر فعالیت‌ها اقدامات دیگری هم صورت گرفت:

«این حسینیه در حال حاضر تعطیل است و فعالیتی ندارد و فقط امور تعمیراتی و دفتری آن با کسب اجازه قبلی و نظارت سازمان اوقاف ادامه دارد. ضمناً مقررات هیئت مدیره‌ی حسینیه، اسامی کلیه‌ی کارکنان و همچنین استادان و مبلغین حسینیه را با مشخصات کامل به سازمان اوقاف گزارش نمایند تا صلاحیت آنان از مقامات انتظامی استعلام شود. همچنین قرار است برنامه‌های آموزش دینی و تبلیغاتی مذهبی حسینیه‌ی ارشاد قبلاً به سازمان اوقاف ارسال گردد که از نظر اجتماعی و سیاسی مورد بررسی قرار گیرد. و سپس برنامه‌های مذکور از جهات مذهبی به تأیید حضرت آیت‌الله آقای حاج سیدکاظم شریعتمداری نیز برسد و آنگاه با نظارت سازمان اوقاف به مورد اجرا گذارده شود. فعلاً حسینیه‌ی مذکور برای انجام امور ساختمانی به مدت دو الی سه ماه تعطیل خواهد بود.»

بدین ترتیب، فعالیت پنج‌ساله‌ی حسینیه‌ی ارشاد پایان یافت، لیکن در این فرصت سخنرانی‌های متعدد (که به صورت نوار و کتاب و جزوه هم منتشر می‌شد) در بسترسازی فرهنگی انقلاب اسلامی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داد.

مسجد الجواد

بین سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۱ مسجد الجواد از محافل پر تحرک نیروهای انقلابی به شمار می‌رفت. آیت‌الله مرتضی مطهری پس از جدا شدن از حسینیه‌ی ارشاد، پایگاه خود را به مسجد الجواد انتقال

مرتضایی، دکتر باهنر سخنرانی کرد.»

در تاریخ ۱۳۴۹/۱/۷ دکتر باهنر در مسجدالجواد پیرامون تقیه سخنرانی کرده بود که چکیده‌ی آن را مأموران ساواک این‌گونه گزارش داده‌اند:

«... من می‌خواهم از اظهاراتم نتیجه بگیریم و آن این است که معنای تقیه این نیست که اشخاص بگویند از ترس جانمان ساکت نشسته‌ایم، بلکه تقیه آن است که با انجام و کشیدن نقشه‌های صحیح برای پیشبرد مقاصد خود بدون آنکه جان خود را از دست بدهیم فعالیت کنیم...»

آن‌چه دکتر باهنر در سخنرانی خود پیرامون تقیه عنوان کرده بود، در حقیقت خط‌مشی شخصیت‌هایی چون خود او، دکتر مفتاح، آیت‌الله مطهری، آیت‌الله بهشتی در فعالیت‌ها بود. همچنین آیت‌الله مطهری در ساعت ۱۹ روز ۱۳۴۹/۷/۱۹ در سخنرانی خود در این مسجد، ضمن ترجمه و تفسیر آیاتی از قرآن گفت: «مسلمان نباید در جبهه‌ی جنگ فرار کند؛ فرار از جبهه‌ی جنگ، فرار از امر خداست»

حجت‌الاسلام اکبرهاشمی رفسنجانی از دیگر سخنرانان این مسجد بود که در این مقطع فعالیت زیادی داشت. ایشان از اردیبهشت سال ۱۳۵۰ چند جلسه سخنرانی در مسجدالجواد ایراد کرد که از یک سخنرانی در تاریخ ۱۳۵۰/۲/۱۰ چهار گزارش تهیه شده است که نشانگر حساسیت ساواک و شهربانی به فعالیت روحانیون انقلابی می‌باشد. قسمتی از همین سخنرانی که مأموران گزارش داده‌اند به شرح زیر است.

«اکبرهاشمی رفسنجانی در مسجد الجواد به منبر رفت، ضمن صحبت در مورد حکومت و ذکر نمونه‌هایی از حکومت علی(ع) اظهار داشت رهبر بایستی کلیه‌ی نیازهای اجتماع را در نظر بگیرد و یک دیکتاتور ممکن است اوضاع را بهبود دهد اما زمینه‌ی پرورش عقاید و شخصیت‌ها را از میان می‌برد.»

در کنار فعالیت‌های صورت گرفته به شکل سخنرانی، توزیع اعلامیه‌ها و جزوه‌هایی که علیه حکومت پهلوی بود هم در این مسجد صورت می‌گرفت. از جمله در گزارش از پرونده‌ی آقای‌هاشمی رفسنجانی آمده است که آقای عبدالعلی اسلامی امام جماعت و مسئول کتابخانه‌ی مسجدالجواد، تعدادی از جزوه‌های درس ولایت فقیه امام خمینی(ره) را توزیع کرده است. گسترش فعالیت روحانیون انقلابی در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۵۱ (۱۷ مهر الی ۱۵ آبان) در مسجد هدایت، الجواد، جامع نارمک و حسینیه‌ی ارشاد ساواک را بر آن داشت به مقابله با این فعالیت‌ها بپردازد. دستگیری، تذکر و یا اخذ تعهد کتبی دیگر کارساز نبود، به همین جهت طرحی تهیه شد تا مراکز و مساجد فعال تحت کنترل اوقاف قرار گیرد:

«طرحی که به وسیله‌ی مشاورین قضایی سازمان اوقاف تهیه

گردیده و مبتنی بر استغفای آقایان فولادفر، حسن شیخزاده، سیدعلی حکاک و سیدهاشم معصومی فخار (متولیان مسجد الجواد) و تفویض تولید مسجد به سازمان اوقاف بود در تاریخ ۲ آذرماه ۱۳۵۱ به امضاء کلیه‌ی اشخاص نامبرده‌ی بالا رسید و صیغه‌ی وقف فی‌المجلس جاری و رقبات و اموال و عرضه و اعیان موقوفه را به قبض وقف و به تصرف سازمان اوقاف درآوردند.»

در ادامه‌ی همین سند، وضع موجود مسجد الجواد پس از تصرف اوقاف چنین آمده است:

«اموال منقول و غیر منقول مسجد الجواد صورت برداری شد و تقریباً نسبت به ثبت وقفیت مسجد و تأسیسات آن اقدام خواهد شد و فعالیت مذهبی این مسجد پس از تعیین سرپرست و هیئت امنایی از معتمدین محل، تحت نظارت سازمان اوقاف شروع خواهد شد.»

سندی جالب توجه در همین مورد از کمیته‌ی مشترک ضد خرابکاری به ریاست پلیس تهران به شرح زیر وجود دارد:

«موضوع: مساجد هدایت و الجواد و حسینیه‌ی ارشاد همانطوری که اطلاع دارند از فعالیت مساجد هدایت، الجواد و حسینیه‌ی ارشاد که اقدامات آن‌ها مخالف مصالح کشور بود جلوگیری به عمل آمد تا با مذاکره با مسئولین مساجد و حسینیه مزبور، اقدامات آن‌ها در آینده با مصالح کشور هماهنگی داشته باشد. علی‌هذا نظر به این‌که توافق‌هایی که با واقفین و هیئت مؤسس مساجد و حسینیه موصوف به عمل آمده، از این به بعد کلیه‌ی مسایل مربوط به این مؤسسه‌ی مذهبی زیر نظر مستقیم سازمان اوقاف خواهد بود و سرکار خدیوزاد به نمایندگی از طرف سازمان اوقاف بر فعالیت‌ها و هرگونه فعل و انفعالات مساجد هدایت و الجواد و حسینیه‌ی ارشاد نظارت مستقیم خواهد داشت. خواهشمند است دستور فرمایند ضمن هرگونه همکاری و ایجاد تسهیلات لازم جهت سرکار سرهنگ خدیوزاده در زمینه‌ی مساجد و حسینیه‌ی مورد بحث، اقدامات بعدی در مورد فعالیت مجدد مساجد و حسینیه‌ی مذکور به نظر ایشان انجام دهند. معاون کمیته‌ی مشترک ضد خرابکاری.»

منابع:

- ۱ - رسول جعفریان، جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی سیاسی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷) تهران، پژوهشگاه «فرهنگ و اندیشه اسلامی» چاپ دوم، ۱۳۸۱، ص ۳۳۶.
- ۲ - یدالله هنری لطیف‌پور، فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹، صص ۱۶۰-۱۶۱.
- ۳ - جعفریان، پیشین، ص ۳۳۷.
- ۴ - انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، تهران، سروش با همکاری مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۶، ص ۲۷۰.



- ۲۸ - یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید حجت‌الاسلام دکتر محمدجواد باهنر، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ص ۲۵.
- ۲۹ - رسول جعفریان، جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی سیاسی ایران، ۱۳۲۰، ۱۳۵۷، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۲۸۵.
- ۳۰ - همان، ص ۳۳۷.
- ۳۱ - استاد شهید به روایت اسناد، به کوشش علی کردن، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، صص ۱۵۶، ۱۵۷.
- ۳۲ - یاران امام به روایت... پیشین، ص ۲۷۳.
- ۳۳ - همان، صص ۲۱۱، ۵۷۰، ۵۷۲، ۳۷۹، ۴۱۵، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۳۶ و ۴۸۱.
- ۳۴ - همان، صص ۳۸۲، ۳۸۳.
- ۳۵ - استاد شهید به روایت اسناد، پیشین، ص ۱۷۰.
- ۳۶ - هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، ج ۲، تهران، نشر معارف انقلاب، ۱۳۷۶، صص ۱۰۸۹ الی ۱۰۹۳.
- ۳۷ - همان، ص ۱۵۸۰.
- ۳۸ - همان، ص ۱۲۱۴ گ ش ۱۴۱۰-۲۹، ۲۰ هـ ۱۲، ۱۳۵۰/۱۱/۲۴.
- ۳۹ - آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده‌ی مسجد هدایت، کد ۵۸۱۳، نامه‌ی ریاست اوقاف به تیمسار ریاست شهربانی کل کشور ۱۳۵۱/۱۰/۱۴.
- ۴۰ - علیرضا زهیری، عصر پهلوی به روایت اسناد، تهران، دفتر نشر معارف، ۱۳۷۹، ص ۳۳۳.

- ۵ - علی شیرخانی، شورا و آزادی (بحثی در اندیشه‌ی سیاسی آیت‌الله طالقانی) قم، انتشارات کتاب، ۱۳۸۱، ص ۹۲.
- ۶ - یاران امام به روایت اسناد ساواک شهید حجت‌الاسلام دکتر محمدجواد باهنر، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰، ص ۱۶۰.
- ۷ - اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱ الی ۵ تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴.
- ۸ - یاران امام... پیشین، ص ۱۶۰.
- ۹ - استاد شهید به روایت اسناد به کوشش علی کردی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۸.
- ۱۰ - جعفریان، پیشین، ص ۱۹۵.
- ۱۱ - آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده‌ی مسجد هدایت کد ۵۸۱۳، گزارش به تاریخ ۱۳۵۱/۱۰/۲۸، ۱۳۶۸، ۱۳۶۸-۲-۵۴.
- ۱۲ - همان پرونده به تاریخ ۱۳۵۲/۷/۸.
- ۱۳ - شیرخانی، پیشین، صص ۱۱۶، ۱۱۷.
- ۱۴ - استاد شهید به روایت اسناد، به کوشش علی کردی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۴۷.
- ۱۵ - همان، ص ۱۰۶، سند شماره ۲۸.
- ۱۶ - همان، ص ۱۰۷، سند شماره ۳۰.
- ۱۷ - همان، ص ۴۷.
- ۱۸ - شریعتی به روایت اسناد، ج ۱، به کوشش علی کردی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۱۹۷.
- ۱۹ - علیرضا خواجوی، یاد و یادآوران (یادی از معلم شهید دکتر علی شریعتی از زبان یادآوران) اصفهان، انتشارات غزل، ۱۳۷۹، ص ۵۰۹.
- ۲۰ - رسول جعفریان، جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی سیاسی ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ص ۲۸۴.
- ۲۱ - استاد شهید به روایت اسناد، پیشین، ص ۴۸.
- ۲۲ - یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید حجت‌الاسلام دکتر محمدجواد باهنر، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹، ص ۳۹۲.
- ۲۳ - همان، ص ۳۹۳.
- ۲۴ - همان، ص ۴۰۰.
- ۲۵ - هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، ج ۱، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۷۶، ص ۲۳۳.
- ۲۶ - جعفریان، پیشین، ص ۲۹۳ (پاورقی).
- ۲۷ - آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده‌ی مسجد هدایت، کد ۵۸۱۳، گزارش رئیس اوقاف به ریاست شهربانی کل کشور به تاریخ ۱۳۵۱/۱۰/۴.